

## زندگی نامه ی کارل گوستاو یونگ

کارل گوستاو یونگ یک فیلسوف و روانپزشک سوئیسی بود که به واسطه ی نظریه هایی که در روان شناسی تحت عنوان روان شناسی تحلیلی مطرح کرد ، شناخته می شود . او مبدع برخی از معروف ترین مفاهیم روان شناسی از جمله : ناخودآگاه جمعی ، آنیما و آنیموس ، درون گرایی و برون گرایی است. پژوهشگر آثار یونگ می گوید : هر چه فروید نا گفته گذاشته ، یونگ کامل کرده است .

در این نوشته به بررسی زندگی نامه ی کارل گوستاو یونگ می پردازیم .

### کودکی کارل گوستاو یونگ :

یونگ در ۲۶ ژوئیه سال ۱۸۷۵ میلادی در کسویل سوئیس چشم به جهان گشود. هشت عمو ، پدر و پدربزرگ مادری اش همگی کشیش بودند و همین امر باعث شد او از همان ابتدایی ترین سال های زندگی اش با مذهب آشنا شود .

دوران کودکی او متشکل از کشیش هایی با لباس های سیاه ، مرگ ها و تشییع جنازه ها ، والدین روان رنجور ، تردیدها و تعارض های مذهبی و رویاهای عجیب و غریب بود . اولین زمین بازی یونگ ، گورستان کلیسا و تنها دوست مورد اعتماد او ، عروسک چوبی ساخته ی دست خودش بود .

پدرش مردی مهربان و صبور بود و اکثر اوقات دوره هایی از نوسان خلق و تحریک پذیری را تجربه می کرد . او یونگ را فردی ضعیف و بی اراده می دانست . مادر یونگ مبتلا به اختلال های هیجانی بود و همین امر زمینه ساز بی ثباتی رفتاری او می شد. اما با این حال نسبت به همسرش ، اقتدار بیشتری داشت .

والدین یونگ تعارض ها و مشکلات زیادی داشتند و او برای فرار از این محیط تنش زا ، بیشتر سعی می کرد در اتاق زیر شیروانی خانه ، با مجسمه ی چوبی اش تنها باشد . تنهایی و انزوا ، بی اعتمادی نسبت به مادر و ناامیدی نسبت به توانایی پدر ، او را به سمت دنیای ناهشیار خود یعنی دنیای رویاها و پندارها سوق داد . دنیایی که یونگ در آن احساس امنیت می کرد و همین امر ، هدایتگر او در ادامه ی مسیر زندگی شد .

او در سن ۳ سالگی خواب دید که در یک غار بزرگ قرار دارد ، مدت ها بعد در رویای دیگری ، خودش را در حال حفر کردن سطح زیر زمین و پیدا کردن استخوان حیوان های قبل تاریخ دید. این رویاها برای یونگ به این معنا بود که او می بایست به بررسی سطح ناهشیار ، که پایه و اساس رفتار بود ، می پرداخت .

یونگ به وسیله ی این نمودهای ناهشیار به گونه ای هدایت می شد که شرح حال خودش را خاطره ها ، رویاها و تعمق ها نامید . ناهشیار برای او ، چه در زندگی شخصی و چه در نظریه اش در رابطه با شخصیت ، در درجه ی اول اهمیت قرار داشت.

## جوآنی و تحصیل کارل گوستاو یونگ :

یونگ در دوران جوانی به سمت فلسفه گرایش پیدا کرد و دانشگاه بازل در رشته ی پزشکی او را بورسیه کرد. ۲۰ ساله بود که پدرش را از دست داد و خانواده اش خانه ی کشیشان را به مقصد بات میتگرمیل نزدیک بازل ترک کردند.

او در طول دوران دانشجویی اش ، عضو انجمن مناظرات دانشگاه شد و پس از تحصیل در رشته ی پزشکی ، در روان پزشکی تخصص گرفت . یونگ اعتقاد داشت که روان پزشکی ، بستری را برای دنبال کردن علایق اش فراهم می کند .

یونگ در دسامبر ۱۹۰۰ ، دوره ی کارآموزی اش را در بیمارستان بورگهولتزلی ، زیر نظر یوگن بلویر ، روان پزشک معروفی که اصطلاح اسکیزوفرنی را مطرح کرد ، گذراند . او برای اندازه گیری حالات روانی از راه پاسخ پوستی و غده های عرقی ، از دستگاه گالوانومتر که امروزه به آن دروغ یاب می گویند ، استفاده کرد .

وی در سال ۱۹۰۵ پزشک ارشد بورگهولتزلی شد و در دانشکده ی طب دانشگاه زوریخ شروع به تدریس کرد.

## رویکرد کارل گوستاو یونگ :

یونگ به واسطه ی رویارویی با دنیای ناهشیار ، رویکردی را در روان شناسی شخصیت پایه گذاری کرد . او در رابطه با این رویکرد نوشت : سال هایی که من به بررسی در افکار درونی خویش مشغول بودم ، مهم ترین سالهای زندگی ام محسوب می شدند . سال هایی که در مورد هر عامل اصلی و اساسی تصمیم گرفته شد .

یونگ برخلاف فروید ، مهم ترین مرحله ی رشد شخصیت را ، میانسالی می دانست نه کودکی . دقیقاً همان زمانی که خودش دچار بحران روانی شد . منشاء نظریه ی یونگ ، خاطرات ، رویاها و تجربه های او بود و مبنای شهودی داشت .

اکثر بیماران یونگ میانسال بودند و از اختلال هایی رنج می بردند که خود یونگ با آنها دست و پنجه نرم می کرد. به همین دلیل ، بخش مهمی از نظریه ی شخصیت یونگ ، تغییرات هیجانی در میانسالی است .

از دیدگاه یونگ ، شخصیت انسان را ساختارها و یا نظام هایی تشکیل می دادند که در عین جدا بودن و متفاوت بودن از همدیگر ، می توانند روی هم اثر بگذارند . این نظام ها عبارتند از : خود ، ناهشیار شخصی و ناهشیار جمعی .

**خود :** همان ذهن هشیار است . در واقع بخشی از روان که مربوط به ادراک ، تفکر ، احساس ، یادآوری و آگاهی ما از خویشتن می شود . به بیان دیگر ، خود ، مسئول انجام فعالیت های روزمره زندگی در زمان بیداری است .

**ناهشیار شخصی:** از دیدگاه یونگ، ناهشیار شخصی، بخش سطحی تر ناهشیار محسوب می شود که تقریباً شبیه سطح نیمه هشیار فروید است. این بخش از شخصیت متشکل از مطالبی است که زمانی در سطح هشیاری بوده اند اما اکنون به دلیل بی اهمیت بودن یا دردآور بودن فراموش شده و یا بازداری شده اند.

**ناهشیار جمعی:** یونگ ناهشیار جمعی را عمیق ترین و دست نیافتنی ترین بخش شخصیت می دانست. از دیدگاه او این بخش از شخصیت شامل تمام تجربه هایی است که تکامل انسان را مشخص می کند و نسل به نسل منتقل شده، همچنین تجربه های گذشتگان که در حاله ای از ابهام فرورفته است و ریشه در حیات اجدادی بشر دارد.

یونگ معتقد بود رابطه ی مستقیم بین شخصیت کنونی یک فرد و گذشته ی او (اولین سالهای زندگی و تاریخ کل انواع موجودات) وجود دارد. ناهشیار جمعی برای یونگ ذخیره ی کنترل کننده ی تجربه های ابتدایی و اجدادی محسوب می شد.

او در سال ۱۹۱۳ نام روان شناسی تحلیلی را برای روش خود انتخاب کرد و هدفش از این نام گذاری جداسازی رویکردش از روانکاوی بود. یونگ معتقد بود این روش می تواند تمام کوشش های روانشناسی همچون روانکاوی فروید و روانشناسی فردی آدلر را دربرگیرد.

روان شناسی تحلیلی یونگ در فرهنگ ها و کشورهای مختلف توجه افراد زیادی را به خود جلب کرد. او پس از گذشت چند سال از پایه گذاری رویکردش، در دانشگاه بیسل مشغول به تدریس شد و دانشجویهای او یک موسسه ی آموزشی به نام یونگ تاسیس کردند که هنوز هم در زوریخ فعال است.

## کارل گوستاو یونگ و زیگموند فروید:

یونگ و فروید، هر دو روان شناسان و روانکاوان مشهوری در تاریخ روان شناسی محسوب می شوند. دوستی صمیمانه ی آن ها از سال ۱۹۰۷ آغاز شد. درست زمانی که یونگ تعدادی از مقالات و کتاب "روانشناسی جنون روانی" را برای فروید فرستاد و فروید پس از مطالعه ی آن ها، به او درخواست ملاقات در وین را داد. در این ملاقات یونگ و فروید ۱۳ ساعت با هم گفتگو کردند.

در همان سال، یونگ در دانشگاه فوردهام به تدریس مشغول شد و به اصرار فروید، سمت دبیرکل و نخستین رئیس انجمن بین المللی امور روانشناختی را پذیرفت. فروید در نامه ای که به یونگ نوشت، وی را به عنوان فرزند بزرگ خود و جانشینش معرفی کرد.

آنها در طول این ۶ سال دوستی صمیمانه، با همکاری همدیگر به پژوهش و مطالعه در حوزه ی رفتارها و فرآیندهای روانی انسان، ناخودآگاه و درمان اختلالات روان شناختی پرداختند.

یونگ سال ها پیرو مکتب روان کاوی فروید بود اما با گذشت زمان نسبت به برخی از دیدگاه های فروید تغییر عقیده داد . ارائه ی دیدگاه های جدیدش در زمینه ی رفتار ، فرآیندهای روانی ، ناخودآگاه و اختلال های روان شناختی ، زمینه ساز اختلاف علمی و فکری او و فروید شد . مفاهیم مطرح شده توسط یونگ در دیدگاه جدید او عبارت بودند از : کهن الگوها ، پرسوناها ، آنیما و آنیموس ، سایه و انرژی روانی .

ناخودآگاه یکی دیگر از مهم ترین علل اختلاف یونگ و فروید بود . از دیدگاه فروید ، ناخود آگاه از خودآگاه نشات می گرفت و وابسته به آن بود . در حالی که یونگ ، خودآگاه را جزیره ی کوچکی در اقیانوس ناخودآگاه می دانست و همانطور که گفته شد ، این اقیانوس عظیم را به دو بخش ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی تقسیم کرد . او در یکی از سخنرانی هایش بیان کرد که اصطلاح ناخودآگاه را برای پژوهش مطرح کرده و می توانسته به جای آن از واژه ی " خدا " استفاده کند !

یونگ با چاپ کتاب روان شناسی ناخودآگاه باعث ایجاد فاصله ی بیشتر بین خودش و فروید شد . همچنین نامه هایی که آن ها در این زمان برای همدیگر می نوشتند بیانگر این بود که فروید ایده های یونگ را نمی پذیرفته و آن ها را رد می کرده است .

یونگ پس از جدایی از فروید ، بحران سخت میانسالی را آغاز کرد .

### ازدواج کارل گوستاو یونگ :

یونگ در ۱۴ فوریه سال ۱۹۰۳ با اما یونگ ( اما روشنباخ ) ، زنی تحصیل کرده و زیبا ازدواج کرد . او دختر یک کارخانه دار ثروتمند بود و همین امر باعث رهایی یونگ از مشکلات مالی شد . با این که تحصیلات اما روشنباخ محدودتر از یونگ بود به فعالیت ها و پژوهش های همسرش علاقه نشان می داد و به عنوان دستیار یونگ در کارهایش مشغول به کار شد .

### مرگ کارل گوستاو یونگ:

یونگ در ۶ ژوئن ۱۹۶۱ در سن ۸۵ سالگی پس از یک بیماری کوتاه درگذشت و در آرامگاه خانوادگی در سوئیس به خاک سپرده شد .

### آثار کارل گوستاو یونگ :

برخی از آثار یونگ عبارتند از :

روان شناسی ضمیر ناخودآگاه ، تحلیل رویا ، انسان و نمادهایش ، انسان در جست و جوی هویت خویشتن ، روان شناسی و علوم غیبی ، روح و زندگی ، ناخودآگاه جمعی و کهن الگو ، روان شناسی و کیمیاگری ، زندگی نامه من و کتاب سرخ .

گردآوری و تدوین : سمیرا شفیعی ( کارشناسی ارشد مشاوره، نویسنده و درمانگر کودک)

موسسه پدیده حمایت(بانک جامع آموزش های روانشناسی):

[www.Kolbeyeheyamat.ir](http://www.Kolbeyeheyamat.ir)

